

گزارش «ایران» از جنجال اعلام و توضیح یک خبر جعلی در برنامه ای زنده

بینایی با سلول بنیادی هنوز امکان پذیر نیست

◀ **سمیه افشین فر**
 خبرنگار

دست یافتن به بینایی یا «حداقل بینایی» برای کسانی که سال‌ها رویای دیدن را در سر پروانده‌اند همواره جذابیت زیادی داشته است، برای همین وقتی دختر ۲۱ ساله‌ای در مقابل دوربین تلویزیون و در برنامه پربیننده عصر جدید در بیست و هفتم اسفند ماه ادعا کرد(یا از صحبت‌هایش این گونه به ذهن مخاطب رسید) که در گذشته نابینا ی مطلق بوده و بواسطه عمل جراحی با کمک سلول‌های بنیادی نتوانسته بینایی یک چشمش را تا صد درصد افزایش دهد، برای کسانی که ذره ذره بینایی را همچون عیار طلا، محک‌گذاری می‌کنند و از ده مهم و یک دهم و... نام می‌برند، خبر بسیار مهمی است. تلفن‌ها به صدا درمی‌آیند، همه سراغ دکتر و بیمارستانش می‌روند و پیگیر جزئیات خبر می‌شوند در حالی که اصل خبر نه روایت‌های آن دختر جوان، چیز دیگری بوده است.

بلافاصله پس از پخش این برنامه بنا به مستنداتی که خبرنگار روزنامه ایران در جریان آن قرار گرفت، جمعی از فعالان حوزه نابینایان تحقیقات مفصلی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که هیچ کدام از اطلاعاتی که این دختر جوان در برنامه عصر جدید داد، درست نبوده و همه این روایت‌های جعلی، جامعه نابینایان را تحت تأثیر قرار داد. انجمن‌ها وتشکل‌های نابینایان این اظهارات را تکذیب کردند اما صدها و هزاران فرد نابینا که به‌دنبال کورسوی بینایی‌اند، بخصوص در مناطقی که دسترسی اطلاعاتی محدودی دارند و با اعتماد به مطالب ارائه شده در این برنامه به‌دنبال دسترسی به دکتر و بیمارستان نام برده شده در برنامه عصر جدید شدند و به‌دنبال ادعایی راه افتاده‌اند که هنوز حتی درمجامع علمی بین‌المللی هم رسیدن به بینایی توسط فردی نابینای مطلق با شک و شبهه همراه است و عملاً غیر ممکن. در واقع اظهارات چند دقیقه‌ای یک فرد در برنامه‌ای پربیننده، زندگی افراد بسیاری را مختل کرده و احساسات و روانشان را به بازی گرفته است. ایستجاست که باید پرسید امید دادن در هر شرایطی و با جعل آن، در رسانه‌ها مجاز است؟

■ **روایتی از آنچه روی آنتن برنامه‌ای زنده رفت**

روز ۲۷ اسفند، از برنامه عصر جدید، در حالی روی آنتن رفت که همه منتظر یک اتفاق هیجان‌انگیز بودند. اتفاقی که بازخوردهای عجیب و متفاوتی را در شبکه‌های اجتماعی به‌دنبال داشت. احسان علیخانی مجری این برنامه، از مادر و دختری میزبانی می‌کرد که از شیراز به تهران آمده بودند تا رویایتگر قصه‌ای شگفت‌آور باشند و در آستین سال نو خورشیدی، مخاطبان میلیونی این برنامه را به هیجان آورند.

«تارا صبی»، دختر ۲۱ ساله‌ای است که در این قسمت برنامه عصر جدید مدعی شد در تاریخ‌های ۲۵ مرداد و ۱۶ شهریور ۱۴۰۰ در بیمارستان دکتر خدادوست شیراز تحت عمل جراحی سلول‌های بنیادی قرار گرفته و او که از ابتدای تولد نابینا بود،

بینایی کامل هر دو چشمش را به دست آورده است. از مخاطب عام که بگذریم، برای آنها که اندک آشنایی با دانش چشم‌پزشکی دارند یا اخبار این حوزه را پیگیری کنند، محال بودن این ادعا آن قدر بدیهی است که حتی نیاز به جست‌وجوی ادله برای اثبات کذب ماجرا هم وقت تلف کردن است؛ درمان نابینایی از طریق سلول‌های بنیادی فعلاً موضوعی است که صرفاً در حد پژوهش‌های آزمایشگاهی و دانشگاهی مطرح شده وحتی وارد فاز آزمایشی روی حیوانات هم نشده است.

خانواده صبی محل انجام عمل سلول‌های بنیادی را بیمارستان دکتر «خدادوست» در شهر شیراز عنوان کردند و این در حالی است که این بیمارستان، هرگز ادعایی در خصوص انجام این عمل در هیچ یک از پایگاه‌های خود در شبکه‌های اجتماعی و همچنین در وب سایت بیمارستان منتشر نکرده است. برای پیگیری جزئیات ماجرا با بیمارستان تماس گرفته شد. خانم حکمت آرا مدیر پرستاری بیمارستان دکتر خدادوست در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: عملی که برای خانم صبی توسط دکتر زهرا کلانتری فلوشیپ چشم‌پزشکی بیمارستان خدادوست انجام شده تنها عمل انحراف چشم بوده است.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا عمل سلول‌های بنیادی در این بیمارستان انجام می‌شود یا خیر؟ می‌گوید: هیچ عملی در زمینه سلول‌های بنیادی در این بیمارستان انجام نمی‌شود و بحث در زمینه سلول‌های بنیادی هنوز در حد پژوهش‌های علمی و دانشگاهی است و هنوز حتی در خارج از کشور هم محققان نتوانسته‌اند با سلول‌های بنیادی بینایی را به طور کامل افزایش دهند.

در گفت‌وگو با «ایران» تأکید شد

جای خالی چرایی و چگونگی در گزارش‌های خبری



آنچه درباره این رویداد و اعلام یک خبر در برنامه ای پرمخاطب قابل بررسی است این است که کارکرد رسانه‌ها در قبال چنین خبرهایی چیست؟ اینکه واکنش رسانه باید چه میزان در برابر اخبار جعلی سریع باشد

و چه میزان باید رسانه در پرداختن به سوزه ها دقت و تحقیق کافی داشته باشد. دکتر مجید رضائیان استاد و پژوهشگر حوزه ارتباطات در پاسخ به این سؤال که وقتی خبر کذبی منتشر می‌شود وظیفه رسانه‌ها چیست، به «ایران» می‌گوید: وظیفه آن رسانه‌ای است که این ادعا را منتشر کرده. این رسانه باید به نقش رسانه‌ای خود وفادار باشد. ابتدا خودش اقدام به اصلاح کند. می‌تواند مستقیم به مخاطبانش بگوید این اتفاق افتاده و اتفاق صحیح به این شکل بوده است. هر چند این اتفاق گریزناپذیر است و در هر رسانه‌ای ممکن است به‌وجود بیاید اما قابل اصلاح نیز هست. اما وظیفه رسانه‌های دیگر هم سکوت نیست وظیفه رسانه‌های دیگر نیز جمع آوری مستندات و مدارک است که بگویند با این مستندات این ادعا ی دروغ صحیح نیست. دکتر رضائیان در پایان با اشاره به اینکه متأسفانه رسانه‌ها قابل اعتماد نیستند، می‌افزاید: کار اصلی رسانه دستیابی به مستندات صحیح است. در رسانه نمی‌توانیم به طور کلی حرف بزنیم. مشکل ما در رسانه‌های کشورمان این است که خیلی اطلاعات محور عمل نمی‌کنیم. اگر می‌خواهیم مخاطب حرفمان را بپذیرد باید گزارش‌ها و خبرهایمان را با اطلاعات مستند کنیم تا مخاطب قانع شود که حرفمان درست است و آن ادعا دروغ محال کارم، اطرافیانم و از راه‌های مختلف در

رضائیان با اشاره به اینکه در رسانه‌های ما از شش عنصر خبری تنها به چهار عنصر توجه می‌کنند، می‌افزاید: متأسفانه در ایران خبرهای ما تنها دارای چهار عنصر خبری است و در رسانه‌های کشورمان دو عنصر «چرایی» و «چگونگی» زیاد یا اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گیرند. در حالی که این دو عنصر رکن اصلی واساسی روزنامه نگاری تحلیلی به حساب می‌آیند.

فیک نیوزها اشاره می‌کند و می‌گوید: تحقیق درباره چگونگی وظیفه ما به‌عنوان اهالی رسانه در برابر فیک نیوزهاست. اخباری که در ظاهر شبیه خبر هستند و این روزها با توجه به گسترش شبکه‌های مجازی تحت عنوان خبر منتشر می‌شوند و مخاطب را دچار کنش‌های غلط می‌کنند. در اینجا رسانه‌ها نباید کوتاه بیایند و با جمع‌آوری اطلاعات به مقابله با فیک



رها هوشیاران / ایران

- شنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۱
- سال بیست و هشتم
- شماره ۷۸۸۱

بیمارستان خدادوست بوده است همچنین صبی در آن بیمارستان، هیچ جراحی دیگری انجام نداده است.

■ **عمل انحراف ارتباطی با بینایی نادر**

دکتر عباس ریاضی دکتری بینایی سنجی در توضیح انحراف چشم به روزنامه ایران می‌گوید: استرابیسم (چشم‌های ضربه‌دری) یا انحراف چشم وضعیتی است که در آن چشم‌ها در یک راستا قرار نمی‌گیرند. به عبارت دیگر، یک چشم در جهتی متفاوت با چشم دیگر می‌چرخد. در شرایط عادی، شش عضله که حرکت چشم را کنترل می‌کنند با هم کار می‌کنند و هر دو چشم را در یک جهت نشان می‌دهند. بیماران مبتلا به انحراف چشم در کنترل حرکات چشم مشکل دارند و نمی‌توانند تراز طبیعی چشم (وضعیت چشم) را حفظ کنند. وی در پاسخ به این سؤال که آیا عمل انحراف چشم تأثیری در افزایش بینایی فرد نابینا دارد؟ توضیح می‌دهد: عمل انحراف چشم وقتی تا سن سه سالگی و بعد از درمان تنبلی چشم صورت بگیرد می‌تواند مقدار کمی دید را اصلاح کند ولی بعد از این سن عمل انحراف تنها ظاهر چشم را تغییر می‌دهد و با عمل انحراف، دید کسی بر نمی‌گردد. دکتر ریاضی در ادامه به بحث سلول‌های بنیادی پرداخته و می‌افزاید: استفاده از سلول‌های بنیادی در درمان نابینایی مطلق در دنیا هنوز بحثی دانشگاهی است و اگر این اتفاق بیفتد باید آن را معجزه قرن بدانیم بنابراین برگشتن بینایی یا عمل با استفاده از سلول‌های بنیادی یا هر چیز دیگری تحت این عناوین هنوز اتفاق نیفتاده است.

■ **وقتی فرصتی برای تحقیق نیست، راستی آزمایی قربانی می‌شود**

هر چند روز پنجشنبه احسان علیخانی در برنامه عصر جدید به این موضوع که «سوء تفاهمی که باعث دردرس شد» پرداخت و بار دیگر مادر تارا و پزشک معالج در برنامه توضیحاتی ارائه دادند اما در نهایت علیخانی به دفاع از برنامه پرداخت. با این‌همه سؤال ما در این مجال این است که در این فاصله چه بسیار نابینایی که از دورترین روستاهای کشور بر مبنای آند از رسانه ملی شنیده‌اند، کیلومترها راه را بر خود هموار کنند و راهی شیراز شوند تا با دستاوردی که در برنامه درباره‌اش شنیده‌اند، از نزدیک آشنا شوند. اصلاً رسانه‌ها چه ملایک و معیارهایی برای راستی‌آزمایی مطالب خود دارند و آیا رسانه‌ها مجازند هر رویدادی را تنها برای جذب بیشتر مخاطب مورد پوشش قرار دهند و به آن بپردازند؟

فریدون صدیقی کارشناس و پیشکسوت یک فاصله تقریباً یک ماهه، جنجالی در میان نابینایان ایجاد شد و به نظر می‌رسد در این مواقع رسانه باید با سرعت بیشتری اشتباه خود را جبران کند و اینکه پیش از رجوع آنتن بردن یک برنامه تحقیقات کافی انجام داده باشد. با این حال این کار احسان علیخانی در برنامه عصر جدید هر چند دیر سوزه را مورد ارزیابی قرار دهند، اگر این



اتفاق نیفتد شایعه‌سازی راه خود را پیدا می‌کند و در واقع هرکسی از ظن خود به پدیده‌ها و رویدادها نگاه می‌کند و به مدد شبکه‌های مجازی بر مبنای دیدگاه خود به اطلاع‌رسانی می‌پردازد. پس اصل اول در راستی‌آزمایی رویدادها توجه به دقت و شفافیت در تهیه محتواست. اما اصل دوم که اصل مهمی هم است به این بر می‌گردد که جامعه ما جامعه‌ای مبتنی بر رؤیاپردازی و بر مبنای آموزه‌های شنیداری است. در چنین جامعه است که هرکسی باید دقت و واقع‌بینی رنگ واقعیت به خود بگیرند و در واقع از این راه فرد به شفای درونی و روانی دست پیدا می‌کند.

وی ادامه می‌دهد: وقتی در رنج و نابسامانی به سر می‌بریم طبیعی است که به‌دنبال تسلی خاطر باشیم و بنابراین سعی می‌کنیم آرزوهایمان را قلاب باورهایمان کنیم در نتیجه وقتی در مقابل دوربین با ضبط صوت قرار می‌گیریم از فرصت استفاده می‌کنیم و برای جلب توجه و همان شغای روانی حرفه‌ایی را بر زبان می‌آوریم که شاید با واقعیت فاصله داشته باشند. رسانه هم با این رویه در واقع نگاه مخاطب را از آن خود می‌کند. این استاد ارتباطات در ادامه با بیان اینکه باید دایره خط قرمزها را برای اهالی رسانه شفاف و باز کنیم، می‌گوید: خط قرمزها باعث می‌شود تا اطلاع‌رسانی با تأخیر صورت پذیرد و بنابراین فرصت و امکانی برای تحقیق وجود ندارد و در چنین فضایی انسان‌ها از جایگاه واقعی‌شان دور می‌شوند و شرایط برای دروغ‌گویی و کلاهبرداری فراهم می‌شود.

■ **پیگیری‌های روزنامه ایران از عوامل عصر جدید**

لازم به توضیح است که تا زمان تنظیم این گزارش و پیش از روی آنتن رفتن برنامه پنجشنبه شب، در ادامه بررسی‌های صورت گرفته و طی تماس با دست اندرکاران برنامه عصر جدید هر چند هیچ کدام حاضر به مصاحبه نشدند و تنها به ارائه مستنداتی که به دعوت از فرد مورد اشاره منجر شده پرداختند که هیچ کدام از مستندات ارائه‌شده نیز شمن یک فرد نابینا را نشان نمی‌دهد. آنها کمبود وقت را دلیل ندادن توضیح کافی در زمینه سلول‌های بنیادی دانستند اما نکته‌ای که در این میان مهم به نظر می‌رسد این است که هزینه تزیق امید به نابینایان برعهده چه کسی است و چگونه قرار است آسیب روانی که فرد نابینایی در این خصوص دیده جبران شود؟ بهتر نبود که دست اندرکاران این برنامه پربیننده قبل از دعوت میهمانان به سراغ کارشناسان و صاحبزطران این حوزه می‌رفتند و درخصوص سوزه‌ها به بررسی کافی می‌پرداختند هر چند در برنامه پنجشنبه توضیحات کمی شفاف کننده بود اما در یک فاصله تقریباً یک ماهه، جنجالی در میان نابینایان ایجاد شد و به نظر می‌رسد در این مواقع رسانه باید با سرعت بیشتری اشتباه خود را جبران کند و اینکه پیش از رجوع آنتن بردن یک برنامه تحقیقات کافی انجام داده باشد. با این حال این کار احسان علیخانی در برنامه عصر جدید هر چند دیر اما جبرانی بود بر اشتباهی که رخ داد.

گفت‌وگوی «ایران» با نمایندگان از جامعه نابینایان

لحظه‌های پرالتهاب

■ **گروه اجتماعی** / اگرچه شاید باید پرونده این رویداد در یک برنامه پر مخاطب تلویزیونی را با توضیحات جدیدی که به نازکی در برنامه ارائه شده مختومه بدانیم اما روایت آنچه در این حدود یک ماه بر نابینایان که مخاطب یک خبر جعلی بودند گذشت شاید این را گوشزد کند که چقدر رسانه‌ها در بازتاب یک اخبار باید از ابتدا دقت کنند. آیدا مجیدآبادی، دختر کم بینای مادرزاد، شاعری جوان و ساکن ارومیه است که با دیدن برنامه عصر جدید و شنیدن صحبت‌ها در خصوص به دست آوردن بینایی دست به کار شده و با بیمارستان دکتر خدادوست تماس گرفته است و وقتی بیمارستان خبر را تکذیب کرده کلیبی درست کرده و در آن به توضیح ماجرا و پیگیری‌های خودش پرداخته تا بقیه همنوعانش دچار امید واهی بینایی نشوند. آیدا می‌گوید: من کم‌بینای مادرزادم. شرایطم درست همانند شرایط تارا بود. هر چند سال هاست که با شرایطم کنار آمده‌ام و در نگاه اطرافیان دختر موفقی هستم که تحصیلات عالی دار، شاغل هستم و زندگی‌ام همانند افراد عادی است و با شرایط بینایی‌ام کنار آمده‌ام، اما وقتی

برنامه را دیدم دچار تردید شدم و شخصاً به‌عنوان یک مراجعه‌کننده با بیمارستان تماس گرفتم و گفتم می‌خواهم این عمل را روی چشم‌انتم انجام بدهم و آنها کلان‌این خبر است که در مرکز استان زندگی می‌کنند. شما تصور کن نابینایان و کم بینایان زیادی هستند که مستردن به اطلاعاتی جز آنچه که در تلویزیون مطرح می‌شود ندارند. بارها من را به‌عنوان میهمان در برنامه‌های مختلف تلویزیونی دعوت کرده‌اند هر بار از این است که نمی‌توانم از رسانه ملی کشورم چنین اشتباهی را بپذیرم. این بیمارستان، بیمارستان معروفی بوده و بحث سلول‌های بنیادی هم بحث مهمی است باید توجه و تحقیق بیشتری می‌کردند، چرا فکر می‌کنند که هر چیزی در حوزه معلولان را با چاشنی شگفتی می‌توانند منتشر کنند؟

■ **باندوهی باورنکردنی بازگشتم!**
مجتبی اما نوجوان نابینای مادرزادی است که در کرمان زندگی می‌کند و در مدرسه نابینایان درس می‌خواند او می‌گوید: با اینکه روزهای آخر سال بود وقتی دوستانم گفتند که چنین برنامه‌ای پخش شده و با سلول‌های بنیادی می‌توان به بینایی رسید، خیلی خوشحال شدم؛ به بیمارستان زنگ زدم و آنها گفتند نه هنوز در زمینه سلول‌های بنیادی عملی انجام نشده، باورم نمی‌شد، مادرم جریان را می‌دانست با او راهی شیراز شدم، مادرم التماس می‌کرد که اگر راهی دارد من هم تحت عمل قرار بگیرم ولی وقتی با قاطعیت گفتند خبری از سلول‌های



بنیادی نیست با اندوهی باور نکردنی برگشتم، البته برای من خیلی هم مهم نبود. به هر حال به نابینایی عادت کرده‌ام اما دیدن رنج مادرم عذابم داد که تلاش می‌کرد اگر می‌شود من حداقل بینایی را به دست بیاورم. حالا فقط یک سؤال دارم: آیا کسانی که چنین ادعایی را مطرح کردند و آن را از تریبون ملی پخش کردند می‌توانند خود را لحظه‌ای و تنها لحظه‌ای جای مادر من و کسانی همانند من بگذارند که حاضرند از همه زندگی‌شان به خاطر ذره‌ای و تنها ذره‌ای دیدن بگذرند؟

■ **هم‌آوایی رسانه‌ها در عصری تازه**

پنجشنبه ۱۸ فروردین ماه برای اولین

انحراف چشم قرار گرفته و چشم‌پزشک معالجش، فلوشیپ چشم‌پزشکی

در برنامه، صرفاً تاریخ‌هایی است که تارا صبی در این بیمارستان مورد عمل جراحی